



Assessing the Effect of Tax Perception Justice and Trust in Government on Tax Compliance

Ehsan Sadeghi

Department of Accounting, Qaenat Branch, Islamic Azad University, Qaenat, Iran.

Mohammadreza Razdar (corresponding author)

Department of Accounting, Qaenat Branch, Islamic Azad University, Qaenat, Iran.

mr2razdar@gmail.com

Mahmoud Lari Dasht Beyaz

Department of Accounting, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 05 Nov 2023
Accepted: 10 Mar 2024

Keywords:

Perception of tax justice, Trust in government, Tax Compliance, the tax office of Khorasan Razavi province

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effect of the variables of perception of tax justice and trust in the government on tax compliance. Among the variables that influence the tax behavior of people specializing in accounting, the impact of the variables of perception of tax justice and trust in the government on tax compliance was investigated. Also, the statistical population of this research includes tax specialists working in the tax office of Khorasan Razavi province (460 people), based on the results of the Morgan table, 210 people were determined as a statistical sample (random sampling method). The experiment and data analysis were done in two ways: using correlation analysis, exploratory factor analysis and regression analysis, the findings obtained as a result of the analysis show that (1) there is a statistically significant and positive relationship between trust in the government and tax compliance, (2) there is a positive and statistically significant relationship between trust in the government with a perception of tax justice and (3) there is a positive and statistically significant relationship between trust in the government and tax compliance through the perception of tax justice (mediation). Also, the model was tested using structural equation analysis and by SMART-PLS2 software.

© The Author(s). Publisher: Islamic Azad University of Aliabad Katoul Branch.





بررسی تأثیر متغیرهای ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت بر تطابق مالیات

احسان صادقی

گروه حسابداری، واحد قائنات، دانشگاه آزاد اسلامی، قائنات، ایران.

محمد رضا رازدار (نویسنده مسنول)

گروه حسابداری، واحد قائنات، دانشگاه آزاد اسلامی، قائنات، ایران.

mr2razdar@gmail.com

محمود لاری دشت بیاض

گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴ آبان ماه ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۲۰ اسفند ماه ۱۴۰۲</p> <p>واژگان کلیدی: ادراک عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت، تطابق مالیات، اداره مالیاتی استان خراسان رضوی</p>	<p>هدف پژوهش حاضر ارزیابی تأثیر متغیرهای ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت بر تطابق مالیات می‌باشد. در میان متغیرهایی که بر رفتار مالیاتی مودیان تأثیرگذار می‌باشند، تأثیر متغیرهای ادراک عدالت مالیاتی^۱ و اعتماد به دولت بر تطابق مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جامعه آماری این تحقیق شامل متخصصان حوزه مالیات شاغل در اداره مالیاتی استان خراسان رضوی می‌باشند (۴۶۰ نفر). بر اساس نتایج جدول مورگان تعداد ۲۱۰ نفر به عنوان نمونه آماری (روش نمونه گیری تصادفی) تعیین شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به دو روش و با استفاده از تجزیه و تحلیل همبستگی، تحلیل عاملی اکتشافی و تجزیه و تحلیل رگرسیون انجام شد. یافته‌های به دست آمده در نتیجه تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که (۱) رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد به دولت با تطابق مالیاتی وجود دارد، (۲) رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد به دولت با ادراک عدالت مالیاتی وجود دارد و (۳) رابطه مثبت و معناداری در خصوص اعتماد به دولت با تطابق مالیاتی از طریق ادراک عدالت مالیاتی (میانجیگری) وجود دارد. همچنین با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری و با کمک نرم افزار SMART-PLS مدل پژوهش آزمون گردید، که نتایج حاصل از ارزیابی برازش کلی مدل، نشان از تایید مدل را می‌دهد.</p>



۱. مقدمه

مالیات، یکی از اجزای ارائه‌دهنده رفاه اجتماعی است که برای مصرف در تأمین مالی هزینه‌های عمومی توسط دولت و مطابق قوانین به شیوه داوطلبانه و اجباری از اشخاص حقیقی و حقوقی جمع‌آوری می‌شود. این وضعیت سبب کاهش درآمد اشخاص شده و در حالی که برخی از مالیات-دهندگان مسئولیت شهروندی خود را انجام می‌دهند، برخی از آن‌ها از پرداخت مالیات و انجام مسئولیت‌های خود اجتناب می‌کنند. انجام مسئولیت‌های مالیاتی مالیات‌دهندگان، تطابق مالیاتی نامیده می‌شود (گوزل^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). جرایم مختلفی بر مالیات‌دهندگانی که تعهدات خود را انجام نمی‌دهند، اعمال می‌شود لیکن استفاده از ابزارهای جریمه‌ای و بازرسی برای به حداقل رساندن زیان قابل قبول مالیاتی دولت ناکافی به نظر می‌رسد. از این رو تأثیر تطابق مالیاتی بر مالیات‌دهندگان به تنهایی به متغیرهای اقتصادی محدود نمی‌شود. برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که علاوه بر ابزارهای جریمه‌ای و بازرسی، برخی از عوامل غیراقتصادی نیز نقش مهمی در این تأثیر ایفا می‌کنند (آلم^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). این عوامل شامل آگاهی مالیاتی، اخلاق مالیاتی، عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی، پذیرش قدرت سیاسی، ادراک عدالت مالیاتی، سطح اعتماد، سطح دیانت اعتماد به دولت، وفاداری به دولت، استفاده کارآمد از مخارج عمومی، تغییرات مکرر در قانونگذاری مالیات و پیچیدگی سیستم، نرخ مالیات، عفو مالیاتی، فقدان اسناد و... می‌باشند (گوزل و همکاران، ۲۰۱۹). در نتیجه برای دولت، لازم است هنگام ارزیابی تطابق مالیاتی، به تعامل بین این عوامل و متغیرهای اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته باشد تا بتواند پلی بین خود و مالیات‌دهندگان را به بهترین شکل ایجاد کند. به عبارتی علاوه بر متغیرهای اقتصادی، متغیرهای غیر اقتصادی، عوامل تعیین‌کننده مهمی برای تطابق مالیاتی هستند (موئهلباچر^۴ و همکاران، ۲۰۱۱) و بسیاری از مطالعات این ادعا را تایید می‌کنند،

2 Güzel

3 Alm

4 Muehlbacher

همچون تاثیر متغیر اعتماد مالیات‌دهندگان به مقامات (فلد^۵ و فری^۶، ۲۰۰۲؛ ون دیک^۷ و وربون^۸، ۲۰۱۰) و ادراک عدالت مالیاتی مودیان (سعد^۹، ۲۰۱۱). اگرچه تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است، اما تحقیقات اندکی وجود دارد که به بررسی متغیرهای ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت، دو عامل غیراقتصادی که تأثیرگذار بر تطابق مالیاتی هستند، پرداخته باشد.

این چارچوب فرض می‌کند که تطابق مالیاتی تحت تأثیر اعتماد به دولت است (گانگل^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۳؛ گوبنا^{۱۱} و ون دیک، ۲۰۱۶). تأثیر مستقیم اعتماد به دولت بر تطابق مالیاتی توسط محققان قبلی مورد بررسی قرار گرفته است (گوبنا و ون دیک، ۲۰۱۶). این مطالعه با بررسی تأثیر غیرمستقیم اعتماد به دولت بر تطابق مالیاتی از طریق ادراک عدالت مالیاتی، پژوهش آن‌ها را گسترش می‌دهد.

اگر چه اکثر نظریه‌ها و تحقیقات موجود در ادبیات (کوگلر^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۳) بر اعتماد به عنوان نتیجه‌ای از عدالت متمرکز بوده‌اند، مطالعاتی نیز وجود دارد که نشان می‌دهند اعتماد به دولت خود متغیر مهم ادراک عدالت مالیاتی است (هولتز و هارولد^{۱۳}، ۲۰۰۸؛ هولتز، ۲۰۱۳؛ جیمنز و آیر^{۱۴}، ۲۰۱۶).

به طور کلی در ادبیات مربوط به تطابق مالیاتی پذیرفته شده است که ادراک مالیات‌دهنده در خصوص عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت را افزایش می‌دهد و این مسئله تأثیر مثبتی بر تطابق مالیاتی آنها دارد. با این حال، این مطالعه نشان می‌دهد که اعتماد به دولت، ادراک مالیات‌دهنده در خصوص عدالت را افزایش می‌دهد و در نتیجه بر تطابق مالیاتی تأثیرگذار است. در نهایت، رابطه بین اعتماد

5 Feld

6 Frey

7 Van Dijke

8 Verboon

9 Saad

10 Gangl

11 Gobena

12 Kogler

13 Holtz & Harold

14 Jimenez & Iyer

به دولت و ادراک عدالت مالیاتی می‌تواند بسته به ساختار فرهنگی جوامع متفاوت باشد. آلم و همکاران (۲۰۱۲) بازیگران اصلی بازی تطابق مالیاتی و تعاملات پیچیده مربوطه را مالیات‌دهندگان، مقامات دولتی و مقامات مالیاتی منصوب شده (یا اداره مالیات) و حسابداران مالیاتی می‌دانند. ساکورای و بریتویت^۵ (۲۰۰۳) عملکرد حسابداران مالیاتی را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر رفتار مالیات‌دهنده بررسی نمودند. حسابداران مالیاتی حسابدارانی هستند که مالیات‌دهندگان را در مورد قوانین مالیاتی مطلع می‌کنند و آنها را در جهت انطباق با قوانین هدایت کرده و تحقق مسئولیت‌های مالیات‌دهندگان تحت قوانین مالیات و تأمین اجتماعی را میانجیگری می‌کنند.

در نهایت باتوجه به اینکه تطابق مالیاتی بحث مهمی در عصر معاصر بویژه پیرامون مالیات شرکت‌ها در دنیای تجارت است (اولوفمی اولادیووا^۱ همکاران، ۲۰۲۲)، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر متغیرهای ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت بر تطابق مالیات می‌باشد و مساله اصلی تحقیق تعریف می‌گردد.

این پژوهش قادر است به روشن‌سازی روابط پیچیده میان ادراکات افراد از عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت و رفتارهای مالیاتی آنان بپردازد. ادراک عدالت مالیاتی، به عنوان احساس افراد درباره عدالت و انصاف در نظام مالیاتی و اعتماد به دولت که نشان‌دهنده اطمینان و مشارکت در سیاست‌ها و تصمیمات دولت است، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر تطابق مالیاتی افراد داشته باشد. این پژوهش می‌تواند به بهبود درک از رفتارهای مالیاتی و ارائه سیاست‌های مالیاتی مؤثر و پایدار کمک کند. همچنین با توجه به ارتباط ادراکات مالیاتی با اعتماد به دولت، این پژوهش می‌تواند نقش مهم اعتماد عمومی در تطابق مالیاتی را نمایان‌سازی کند و سازوکارهایی را برای تقویت این ارتباطات ارائه دهد. در نهایت سوال اصلی پژوهش به شرح زیر است:

تأثیر متغیرهای ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت بر تطابق مالیات چگونه است؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲- تطابق مالیاتی^{۱۷}

تطابق مالیات دهندگان را می‌توان به عنوان یک عمل سازگارانه مودیان مالیاتی در انجام تعهدات مالیاتی خود مطابق با مقررات یا مقررات مالیاتی قابل اجرا تعریف کرد (ویدوری و ایرون، ۲۰۱۹). مصطفی^{۱۸} (۲۰۱۰) تطابق مالیاتی را با عنوان آماده‌سازی پرداخت‌کننده‌ها و گزارشگری به موقع و دقیق اظهارنامه مالیاتی مودیان مطابق با مقررات قانونی توصیف می‌کند. به ساده‌ترین شکل، تطابق مالیاتی سطح تطابق مالیات با قوانین مالیات است (جیمز و الی، ۲۰۰۲).

دو رویکرد پایه‌ای در ادبیات وجود دارد که بر تطابق مالیاتی تاثیر می‌گذارند. یکی از این دو رویکرد، رویکرد اقتصادی توسعه یافته توسط آلینگهام و ساندمو (۱۹۷۲) می‌باشد. این رویکرد مدل الینگهام ساندمو^{۱۹}، مدل بازدارندگی^{۲۰}، نظریه انتخاب عقلانی^{۲۱} یا نظریه مطلوبیت انتظاری^{۲۲} نیز نامیده می‌شود. دومین رویکرد، رویکرد رفتاری است که نظریه عواطف اخلاقی^{۲۳} نیز نامیده می‌شود (گوزل و همکاران، ۲۰۱۹).

در رویکرد اقتصادی، پرداخت‌کننده‌های مالیات تمایل به فرار مالیاتی^{۲۴} و اجتناب از مالیات^{۲۵} دارند. به عبارتی پرداخت‌کننده‌های مالیات وقتی در شرایط فرار مالیاتی یا اجتناب از مالیات قرار می‌گیرند، با هدف سود بیشتر، تعهدات خود را به موقع و به طور کامل انجام نمی‌دهند. اگر زیان قابل قبول مالیاتی و فرار مالیاتی در زمان اعلام درآمد و در نتیجه‌ی بازرسی‌ها و حسابرسی‌ها شناسایی

17 Tax compliance

18 Widuri R. Irawan

19 Mustapha

20 James and Alley

21 Elingham and Sandmo model

22 The Deterrence Model

23 The Rational Choice Theory

24 The Expected Utility Theory

25 Moral sentiments theory

26 Tax evasion

27 Tax avoidance

شود مالیات‌دهنده توانایی مقایسه بین جریمه‌های بی‌نظمی و زیان قابل قبول مالیاتی را خواهد داشت. اگر میزان جریمه شناسایی شده در زمان فرار مالیاتی و تشخیص زیان قابل قبول مالیات، بیش از مالیاتی باشد که با اعلام کامل درآمد مودی بایستی توسط وی پرداخت گردد، او درآمد خود را اعلام خواهد کرد؛ در غیر اینصورت، او درآمد خود را به صورت کامل اعلام نخواهد کرد. به طور خلاصه، رویکرد اقتصادی پیشنهاد می‌کند که رفتار پرداخت‌کننده‌ها تحت تاثیر متغیرها در میزان انتفاع مالی است. با این حال، رویکرد رفتاری حاکی از آن است که رفتار تطابق مالی پرداخت‌کننده‌های مالی فقط تحت تاثیر متغیرهای مالی نیست. این رویکرد ادعا می‌کند که رفتار تطابق مالیات پرداخت‌کننده‌های مالیات تحت تاثیر متغیرهای غیراقتصادی مانند اخلاق مالیاتی، ادراک عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت^{۲۸} و دینداری می‌باشد (گوزل و همکاران، ۲۰۱۹).

مفاهیمی چون اعتماد به دولت (مورفی^{۲۹}؛ ۲۰۰۴)، عدالت درک شده در سیستم مالیات و ملاحظات و هنجارهای اخلاقی (ونزل^{۳۰}؛ ۲۰۰۴) درک جامع‌تری از تطابق مالیاتی ارائه می‌کند (وربوون و ون دیجکه^{۳۱}؛ ۲۰۰۷). اگرچه ارتباط بین ادراک عدالت و رفتار مالیاتی خیلی پیچیده است، به طور کلی فرض می‌شود که ارتباط مثبتی بین ادراک عدالت و تطابق مالیات وجود دارد (گوزل و همکاران، ۲۰۱۹).

۲-۲-۲- ادراک عدالت مالیاتی

آدام اسمیت^{۳۲} به این نتیجه رسیده است که اصل نهفته در جمع‌آوری مالیات در درجه اول عدالت در مالیات‌گیری است. به سادگی می‌توان گفت اگر تلقی از عدالت، در این مورد عدالت مالیاتی باشد، با بهبود تطابق مالیاتی همراه خواهد بود (رزو^{۳۳} و همکاران، ۲۰۱۴). عدالت، ادراک است (روبن و

28 Trust in government

29 Murphy

30 Wenzel

31 Verboon and Van Dijke

32 Adam Smith

33 Ross

ویندن،^{۳۴} ۲۰۱۰) و هر گونه افزایش در ادراک عدالت منجر به افزایش در پیاده سازی مالیاتی می شود (فارست و شفرین،^{۳۵} ۲۰۰۳). مهم این است که چگونه مالیات دهندگان نظام مالیاتی را درک می کنند، یک نظام مالیاتی منصفانه می تواند مورد پذیرش مالیات دهنده قرار گیرد. درک مالیات دهندگان از عدالت مالیاتی؛ استراتژی و سیاست مالیاتی دولت را نیز تعیین می کند.

۳-۲- اعتماد به دولت

مالیات به عنوان قیمت پرداخت شده برای خدمات انجام شده توسط دولت قلمداد می شوند. اعتماد برای مالیات دهندگان که مالیات خود را به موقع پرداخت می کنند، بسیار مهم است (فری و تورگلر،^{۳۶} ۲۰۰۶). هنگامی که عدم اعتماد به دولت افزایش می یابد، درآمدهای دولت و عملکرد دولت به واسطه مالیات کاهش می یابد (تورگلر، ۲۰۰۳). اگر اطمینان مالیات دهندگان بالا باشد، مالیات دهندگان بیشتر مایل به انجام تعهدات مالیاتی خود خواهند بود (تورگلر، ۲۰۰۳). هنگامی که دولت به گونه ای عمل کند که اعتماد مالیات دهندگان افزایش یابد مالیات دهندگان تمایل به انجام تعهدات مالیاتی خود خواهند داشت. بنابراین، روابط بین دولت و مالیات دهندگان به شیوه ای مثبت حفظ خواهد شد (تورگلر و اشنایدر،^{۳۷} ۲۰۰۵).

به طور کلی، مالیات دهندگان که به دولت اعتماد دارند، نگرش مثبت نسبت به بدهی های مالیاتی خود نشان می دهند (بک و دی،^{۳۸} ۱۹۸۳). اشخاصی که کمتر به دولت اعتماد دارند تمایل به پرداخت مالیات را در سطوح پایین تری دارند و اغلب رویدادها را با نگرش منفی مشاهده می کنند. از سوی دیگر، افرادی که سطح اعتماد بالاتری دارند رویدادها را با دیدگاه مثبت تری در نظر می گیرند (رابینز، ۱۹۹۶).

مالیات دهندگانی که به دولت اعتماد ندارند، در مورد نحوه مصرف مالیات های گردآوری شده توسط دولت، شک و تردید بیشتری خواهند داشت. اگر مالیات دهندگان دولت را قابل اعتماد تصور

34 Reuben & Winden

35 Forest & Sheffrin

36 Frey and Torgler

37 Torgler and Schneider

38 Beck and Dye

کنند از تصمیمات دولت در خصوص ضوابط چگونگی شناسایی و وصول مالیات نیز حمایت خواهند کرد، اما هنگامی که به آن اعتماد ندارند از تصمیمات دولت حمایت نخواهند کرد (رودلف، ۲۰۰۹). همچنین، مالیات‌دهندگانی که به دولت اعتماد ندارند تصور می‌کنند که مالیات‌ها بیش از حد بالا هستند (بک و دی، ۱۹۸۲). در نتیجه، بی‌اعتمادی به دولت، مالیات‌دهندگان را به سمت فرار از پرداخت مالیات سوق می‌دهد (جیمز و ایر، ۲۰۱۶).

۴-۲- مدل مفهومی پژوهش و تبیین فرضیه‌ها

در ادبیات و مقالات علمی گذشته پیرامون مالیات، اعتماد به عنوان پیامد عدالت در نظر گرفته شده است. در بسیاری از مطالعات، نقش عدالت مالیاتی در رعایت مقررات مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شده است که بین بازپرداخت مالیات و عدالت رابطه مثبتی وجود دارد (کاسال و همکاران، ۲۰۱۶؛ سعد، ۲۰۱۱). مصطفی (۲۰۱۰) بر این باور است که ادراک عدالت مالیاتی بر رفتارهای مربوط به پرداخت مالیات تاثیر می‌گذارد. اتریونی (۱۹۸۶) بیان می‌کند که تاثیر ادراک عدالت در رعایت قوانین مالیاتی بیشتر از نرخ مالیات است. به همین ترتیب، گیلیگان و ریچاردسون^{۴۲} (۲۰۰۵)، رابرتز (۱۹۹۴) در مطالعات خود ادعا می‌کنند که ادراک عدالت مالیاتی به طور قابل توجهی با پذیرش پرداخت مالیات مرتبط است. با این حال، پژوهش‌های اخیر در این زمینه، این ایده را رد می‌کنند که متغیر عدالت، مقدم بر متغیر اعتماد است (جیمز و ایر، ۲۰۱۶؛ هولتز، ۲۰۱۳). اعتماد، تصور عدالت را شکل می‌دهد. تاثیر مهم اعتماد بر ادراکات افراد در مورد عدالت (بی‌طرفی) می‌باشد. در نتیجه، اکثر تحقیقات انجام شده در این زمینه، این دیدگاه را رد می‌کند که اعتماد پیش از درک از عدالت ایجاد می‌شود. اگر چه اکثریت نظریه‌ها و تحقیقات موجود در ادبیات و مقالات علمی (بکرا و گوپتا^{۴۳}، ۲۰۰۳؛ کوگلر و همکاران، ۲۰۱۳) بر اعتماد به عنوان پیامد عدالت متمرکز شده‌اند، پژوهش‌هایی نیز نشان می‌دهند که اعتماد، متغیر مهم ادراک عدالت است (هولتز، ۲۰۱۳؛ جیمز و

39 Rudolph

40 Jimenez and Iyer

41 Casal

42 Gilligan & Richardson

43 Becerra and Gupta

ایر، ۲۰۱۶). ادراک اعتماد به دولت و عدالت مالیاتی دارای تأثیر مهمی بر تطابق مالیاتی است. ادراک عدالت مالیاتی، نقش میانجیگری کاملی در رابطه بین اعتماد به دولت و تطابق مالیاتی ایفا می‌کند (جیمنز و ایر، ۲۰۱۶).

نیومن^{۴۴} و همکاران (۲۰۱۹)، بیان کردند دانش مالیاتی عامل مهمی در تعیین رفتار انطباق مالیاتی است. پراتاما^{۴۵} (۲۰۱۸) دریافت که وقتی مالیات‌دهندگان از آگاهی مالیاتی بالاتری برخوردار باشند، از رفتارهای اخلاقی با ارزشی پیروی می‌کنند. برنارد^{۴۶} و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که دانش و آگاهی مالیاتی با توانایی مالیات‌دهندگان در درک قوانین مالیاتی و در نتیجه افزایش انطباق مالیاتی رابطه مثبت دارد. یافته‌های پژوهش گوزل و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که (۱) رابطه مثبت و معنادار آماري در خصوص اعتماد به دولت با تطابق مالیاتی از طریق ادراک عدالت مالی (میانجیگری) وجود دارد، (۲) رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد به دولت با تطابق مالیاتی وجود دارد و (۳) رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد به دولت با ادراک عدالت مالیاتی وجود دارد. نتایج حسن^{۴۷} و همکاران (۲۰۲۱)، نشان داد که سادگی انطباق مالیاتی تأثیر بیشتری بر تشکیل پرونده مالیاتی نسبت به درک در مورد هزینه‌های دولت و روحیه مالیاتی دارد. مطالعه اولوفمی اولادیو و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که سطح قابل توجهی از رعایت مالیات در میان شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در نیجریه وجود دارد. این مطالعه همچنین نشان می‌دهد که درک مالیات‌دهندگان شرکتی از انصاف، تأثیر قابل توجهی بر تمایل مالیات‌دهندگان شرکتی نسبت به پرداخت مالیات دارد و دانش مالیاتی به طور قابل توجهی بر رعایت مقررات و پرداخت مالیات تأثیر دارد. نتایج حاصله فرهادی محلی و دولت‌نیا (۱۳۹۸) نشان داده است که اعتماد به دولت بر ادراک عدالت مالیاتی و تمکین مالیاتی تأثیر معناداری دارد و ادراک عدالت مالیاتی نیز خود بر تمکین مالیاتی تأثیر معناداری دارد. همچنین اعتماد به دولت بر تمکین مالیاتی با توجه به متغیر میانجی ادراک عدالت مالیاتی تأثیرگذار است. نتیجه پژوهش

44 Newman
45 Pratama
46 Bernard
47 Hassan

برادران حسن زاده و موسوی (۱۳۹۹)، نشان می‌دهد که برای افزایش عدالت مالیاتی نیاز به ۲۲ عوامل کلیدی و حیاتی می‌باشد که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد که ارتباط بین آنها در قالب یک الگو ارائه می‌گردد. نتایج نجدی و قطبی (۱۴۰۰)، رابطه بین متغیرهای دولت الکترونیک و توسعه نظام مالیاتی؛ رابطه بین متغیر دولت الکترونیک بر اعتماد مودیان و همچنین بین متغیرهای اعتماد مودیان و توسعه نظام مالیاتی را تایید می‌کند.

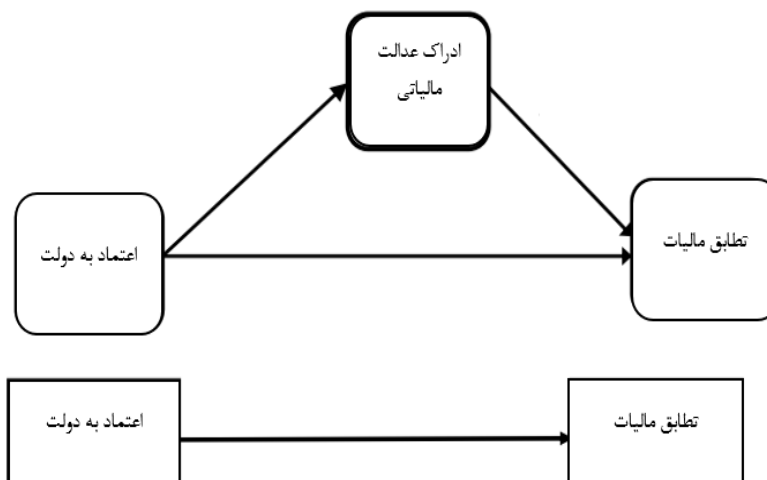
به طور کلی در ادبیات مربوط به تطابق مالیاتی، پذیرفته شده است که ادراک پرداخت کننده از عدالت مالیاتی منجر به افزایش اعتماد به دولت می‌شود و این امر به طور مثبتی بر تطابق مالیاتی تأثیر می‌گذارد. با این حال، این تحقیق نشان می‌دهد که اعتماد به دولت، ادراک مالیات‌دهندگان از عدالت را افزایش می‌دهد و متعاقباً به طور مثبتی بر میزان تطابق مالیاتی تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، اعتماد قبل از عدالت تشکیل می‌شود و مالیات‌دهندگان به وسیله اعتمادی که به دولت دارند ارزیابی می‌کنند که آیا سیستم، عادلانه است یا نه. به عبارت دیگر، مالیات‌دهندگان در صورتی که به دولت اعتماد کنند، اقدامات انجام شده توسط دولت را عادلانه تلقی خواهند کرد. در این راستا فرضیات پژوهش به شرح زیر تعریف می‌گردد:

فرضیه اول: اعتماد به دولت با تطابق مالیاتی ارتباط دارد.

فرضیه دوم: اعتماد به دولت با ادراک عدالت مالیاتی ارتباط دارد.

فرضیه سوم: اعتماد به دولت از طریق نقش ادراک عدالت مالیاتی بر تطابق مالیاتی تأثیر دارد.

با توجه به ادبیات پژوهش و فرضیه‌های تحقیق مدل مفهومی به شرح شکل (۱) است.



شکل (۱)، مدل مفهومی پیشنهادی (منبع: گوزل و همکاران، ۲۰۱۹)

۳. روش شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی-همبستگی و مبتنی بر مدلسازی معادلات ساختاری می‌باشد. جهت گردآوری مبانی نظری، برای استخراج اطلاعات در خصوص تبیین ادبیات موضوع تحقیق از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شد. یکی از اصلی‌ترین روش‌های جمع‌آوری داده‌ها در تحقیق حاضر، روش کتابخانه‌ای می‌باشد. به طوری که مباحث تئوریک مورد نیاز تحقیق، از منابع مرتبط از جمله کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و همچنین منابع موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی جمع‌آوری می‌گردد. جامعه آماری این تحقیق شامل متخصصان حوزه مالیات شاغل در اداره مالیاتی استان خراسان رضوی می‌باشند (۴۶۰ نفر)، با توجه به تعداد جامعه آماری و بر اساس نتایج جدول مورگان تعداد ۲۱۰ نفر به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردید، همچنین روش نمونه‌گیری تصادفی تعیین شد. به منظور گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه‌های برگرفته از تحقیقات استفاده گردید که در جدول (۱) توضیحات هر متغیر تشریح شده است. طیف پاسخگویی طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (۱) (کاملاً مخالفم) تا (۵) (کاملاً موافقم) اندازه‌گیری می‌باشد (جدول ۱). به منظور ارزیابی پایایی،

ضرایب آلفای کروناخ محاسبه شده برای نمونه پژوهش، گویای پایایی مناسب متغیرها می‌باشد (جدول ۳). همچنین با استفاده از معادلات ساختاری و نرم افزار SMART-PLS نسخه (۳) مدل تجزیه و تحلیل شد.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق

منبع	گویه‌های متغیرها	نوع متغیر	متغیر
گرینگ ^۴ (۱۹۸۸)، گوزل و همکاران (۲۰۱۹)	-به طور کلی، فکر می‌کنم که سیستم مالیاتی منصفانه است. -به طور کلی، بار مالیاتی به طور منصفانه توزیع شده است. -بر این باور هستم که بار مالیاتی در میان مالیات‌دهندگان به طور منصفانه توزیع شده است. -طبق نظر شخصی من، سیستم مالیاتی منصفانه است. -فکر می‌کنم که سیستم مالیاتی برای مالیات‌دهندگان متوسط، منصفانه است. -همه‌ی افراد در کشور ما در سطح درآمد خودشان مالیات پرداخت می‌کنند. -همه‌ی افراد کشور ما براساس قدرت پرداخت خود، مالیات پرداخت می‌کنند.	میانجی / وابسته	ادراک عدالت مالیاتی

منبع	گویه‌های متغیرها	نوع متغیر	متغیر
مورفی ^{۴۹} (۲۰۰۹)، مصطفی ^{۵۰} (۲۰۱۰)، وربون و دیجک ^{۵۱} (۲۰۰۷)، گوزل و همکاران (۲۰۱۹)	<p>-من تمام تلاش خودم را برای اغراق در نشان دادن هزینه‌ها می‌کنم.</p> <p>-من هزینه‌های خود را به طور اغراق آمیز اعلام می‌کنم.</p> <p>-اگر مشتری نخواهد، فاکتور یا پیش فاکتور ارایه نمی‌دهم و این گونه درآمدها را اعلام نمی‌کنم.</p> <p>-من آگاهانه به دنبال راه هایی برای تقلب در سیستم مالیاتی هستم.</p> <p>-من درآمدهای خاصی را که مالیات مشخصی ندارند را اعلام نمی‌کنم.</p> <p>-تا آن جایی که امکان داشته باشد از پرداخت مالیات خودداری می‌کنم.</p>	وابسته	تطابق مالیاتی
بریور و سیگلن ^{۵۲} (۲۰۰۲)، کولسکو ^{۵۳} (۲۰۰۴)، گوزل و همکاران (۲۰۱۹)	<p>-من به دولت اعتماد دارم.</p> <p>-طبق نظر شخصی من، دولت قابل اعتماد است.</p> <p>-دولت نگران همه‌ی شهروندان است و برای منفعت آن‌ها کار می‌کند.</p>	مستقل	اعتماد به دولت
-	مرد- زن تعریف شده است، امتیاز دهی این متغیر در نرم افزار عدد (۱) برای مرد و عدد (۲) برای زن می‌باشد.	زمینه‌ای	جنسیت
-	۳۰ سال و کمتر، بین ۴۰-۳۱ سال، ۴۱ سال و بیشتر. امتیاز دهی این متغیر در نرم افزار عدد (۱) برای ۳۰ سال و کمتر و عدد (۲) برای سن ۴۰-۳۱ سال می‌باشد و عدد (۳) برای ۴۱ سال و بیشتر است.	زمینه‌ای	سن
-	متاهل- مجرد شده است، امتیاز دهی این متغیر در نرم افزار عدد (۱) برای متاهل و عدد (۲) برای مجرد می‌باشد.	زمینه‌ای	وضعیت تاهل

49 Murphy

50 Mustapha

51 Verboon & Dijke

52 Brewer & Sigelman

53 Colesca

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- اطلاعات توصیفی متغیرهای تحقیق

آماره‌های میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای پژوهش برای هر یک از متغیرها به صورت جدول زیر می‌باشد:

جدول ۲. آمار توصیفی و همبستگی متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	اعتماد به دولت	تطابق مالیاتی	ادراک عدالت مالیاتی	
۰ / ۴۷	۳ / ۹۳			۱	ادراک عدالت مالیاتی
۰ / ۶۴	۳ / ۴۳		۱	۰ / ۵۲۹	تطابق مالیاتی
۰ / ۶۵	۳ / ۷۶	۱	۰ / ۵۲۴	۰ / ۵۰۹	اعتماد به دولت

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۴-۲- تحلیل عاملی، روایی و پایایی

در این مطالعه، پاسخ متخصصان مالیاتی به سوالات در مورد متغیرهای تطابق مالیاتی، ادراک عدالت مالیاتی، اعتماد به دولت مورد تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اولیه درصد توزیع واریانس قرار گرفت. بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار $0/3$ شد مؤید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است. مجموع درصد توزیع واریانس متغیرها برابر با $46/13$ می‌باشد، که این مجموع برای سه متغیر به شرح زیر می‌باشد: درصد توزیع واریانس متغیر ادراک عدالت مالیاتی برابر با $28/784$ می‌باشد. درصد توزیع واریانس متغیر تطابق مالیاتی برابر با $9/696$ می‌باشد. درصد توزیع واریانس متغیر تطابق مالیاتی برابر با $7/65$ می‌باشد. ضرایب پایایی کلیه

متغیرها در مدل تحقیق (آلفای کرونباخ) بالاتر از ضریب اطمینان (آلفای کرونباخ) ۷۰٪ می‌باشد، که شرایط قابل اعتماد بودن متغیرها را تحقق می‌بخشد و از ثبات داخلی برخوردار می‌باشند (جدول ۳).

جدول ۳. بار عاملی و آلفای کرونباخ

متغیرها	آلفای کرونباخ	بار عاملی	درصد توزیع واریانس
ادراک عدالت مالیاتی	۰ / ۷۶۷	---	۲۸ / ۷۸۴
سوال ۱		۰ / ۴۷۴	
سوال ۲		۰ / ۶۳۱	
سوال ۳		۰ / ۶۹۵	
سوال ۴		۰ / ۶۷۴	
سوال ۵		۰ / ۵۸۵	
سوال ۶		۰ / ۵۳	
سوال ۷		۰ / ۴۱۵	
تطابق مالیاتی	۰ / ۷۱۷	---	۹ / ۶۹۶
سوال ۸		۰ / ۷۳۷	
سوال ۹		۰ / ۷۴۹	
سوال ۱۰		۰ / ۶۱۶	
سوال ۱۱		۰ / ۳۴۳	
سوال ۱۲		۰ / ۷۲۷	
سوال ۱۳		۰ / ۶۲۲	
اعتماد به دولت	۰ / ۷۷۵	---	۷ / ۶۵
سوال ۱۴		۰ / ۷۲۳	
سوال ۱۵		۰ / ۶۴	
سوال ۱۶		۰ / ۸۳۸	
مجموع درصد توزیع واریانس متغیرها		۴۶/۱۳	

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۳-۴-آزمون فرضیه‌ها (تجزیه و تحلیل رگرسیون)

یافته‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل رگرسیون انجام شده برای آزمون فرضیه‌های پژوهش برای سنجش میزان ادراک عدالت مالیاتی، تطابق مالیات و اعتماد به دولت در مدل تحقیق در جدول (۴) آمده است. نتایج نشان می‌دهد که داده‌های جمعیتی (جنسیت، سن، وضعیت تأهل) بر روی متغیرها تأثیر ندارد. همچنین مشاهده می‌شود این مدل از نظر آماری معنادار است ($F=18 / 727$ ؛ سطح معناداری کمتر از ۱ درصد) و ضریب تعیین بررسی رابطه اعتماد به دولت با ادراک عدالت مالیاتی با توجه به نتایج مدل (۱) قابل توجه است ($R^2=0.268$). همچنین نتیجه تحلیل رگرسیون، نشان می‌دهد که اعتماد به دولت با ادراک عدالت مالیاتی دارای ضریب $0/18$ (رابطه مثبت) و در سطح معناداری کمتر از $0/01$ است. به عبارتی دلیلی بر رد فرضیه دوم پژوهش وجود ندارد و اعتماد به دولت با ادراک عدالت مالیاتی ارتباط دارد. با توجه به نتایج مدل (۲) مبنی بر اینکه رابطه اعتماد به دولت و انطباق مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته است، مشاهده می‌شود این مدل از نظر آماری معنادار می‌باشد ($F=19 / 868$ ؛ سطح معناداری کمتر از ۱ درصد) و ضریب تعیین بررسی رابطه اعتماد به دولت و انطباق مالیاتی با توجه به نتایج مدل (۲) قابل توجه است ($R^2 = 0.279$). در نتیجه تحلیل رگرسیون، مشاهده می‌شود که اعتماد به دولت و تطابق مالیاتی دارای ضریب $0/342$ در سطح معناداری کمتر از $0/01$ می‌باشد، که نشان می‌دهد از نظر آماری رابطه مثبت و معنادار است. این نتیجه‌گیری پذیرش فرضیه اول را به همراه دارد و اعتماد به دولت با تطابق مالیاتی ارتباط دارد.

با توجه به نتایج مدل (۳) که رابطه ادراک عدالت مالیاتی و تغییر در اعتماد به دولت در مورد انطباق مالیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مشاهده می‌شود این مدل از نظر آماری معنادار می‌باشد ($F=5.865$ ؛ سطح معناداری کمتر از ۵ درصد) و ضریب تعیین مدل نیز $0/36$ می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون، مشاهده می‌شود که ادراک عدالت مالیاتی با تطابق مالیاتی دارای رابطه مثبت و معنادار با ضریب $0/412$ و همچنین اعتماد به دولت با تطابق مالیاتی دارای رابطه مثبت و معنادار با ضریب $0/554$ می‌باشد. براساس این نتیجه، ادراک عدالت مالیاتی تأثیر کاملی در رابطه

با اعتماد به دولت و تطابق مالیاتی دارد. این نتیجه‌گیری مستلزم پذیرش فرضیه سوم است، اعتماد به دولت از طریق ادراک عدالت مالیاتی (متغیر میانجی) با تطابق مالیاتی ارتباط دارد.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون

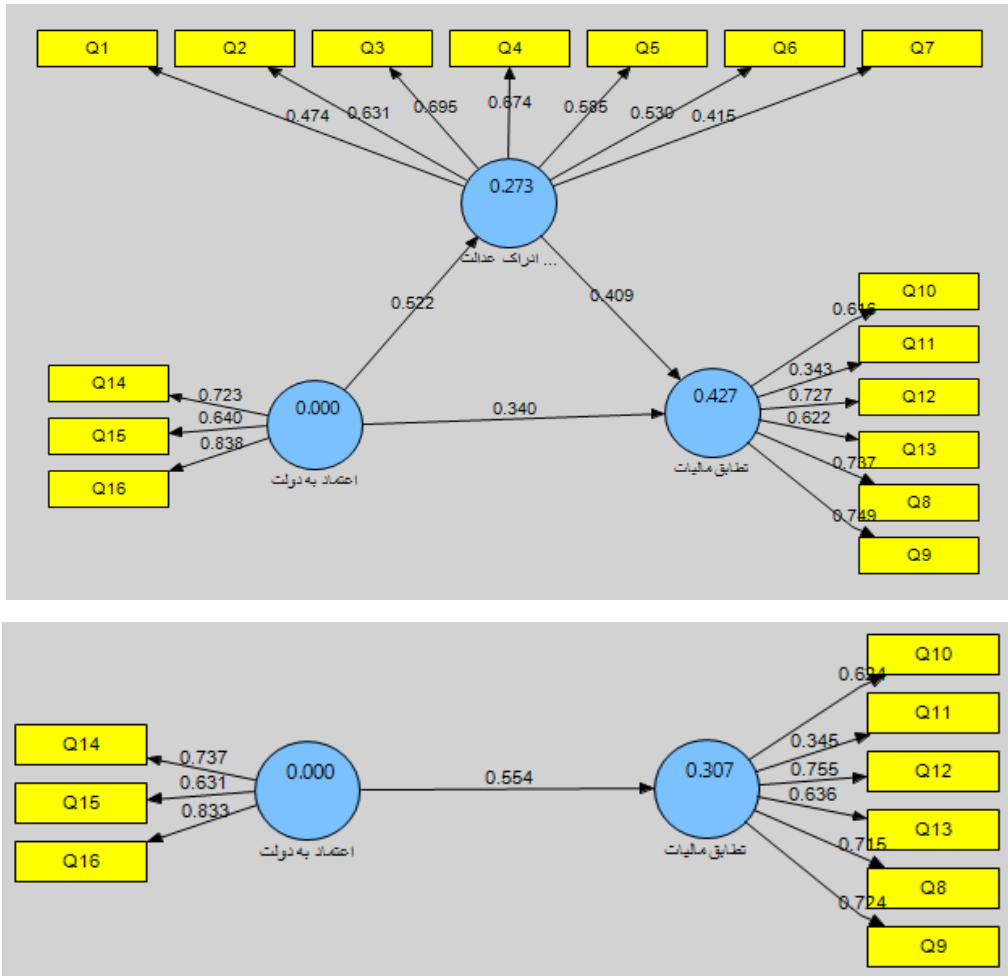
متغیر مستقل	مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳	
	ادراک عدالت مالیاتی	آماره تی ^{۵۴}	تطابق مالیاتی	آماره تی	تطابق مالیاتی	آماره تی
	بتا		بتا		بتا	
ادراک عدالت مالیاتی	---	---	---	---	۰ / ۴۱۲	*۷ / ۵۹۶
اعتماد به دولت	۰ / ۱۸	*۱۲ / ۱۸۸	۰ / ۳۴۲	*۵ / ۷۹۹	۰ / ۵۵۴	*۱۲ / ۵۳۱
جنسیت	۰ / ۰۴۱	۰ / ۰۸۳۲	۰ / ۱۰۵	۱ / ۶۶۸	-۰ / ۰۴	۰ / ۹۲۳
سن	-۰ / ۰۶۸	۱ / ۳۵۹	-۰ / ۰۵۸	۱ / ۰۰۷	۰ / ۰۵۲	۱ / ۰۷۶
وضعیت تاهل	۰ / ۰۵۸	۱ / ۰۷	۰ / ۰۵۱	۰ / ۴۷۳	۰ / ۰۸۲	۰ / ۷۶
مقدار F	۱۸ / ۷۲۷	---	۱۹ / ۸۶۸	---	۲۲ / ۹۹	---
R ²	۰ / ۲۶۸	---	۰ / ۲۷۹	---	۰ / ۳۶	---

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۴-۴- مدل یابی معادلات مدل تحقیق با نرم افزار SMART-PLS

به منظور بررسی مدل تحقیق از نرم افزار SMART-PLS استفاده می‌گردد. برای بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق ابتدا باید ضرایب مسیر مربوط به روابط محاسبه گردد. از این رو در شکل (۲) خروجی ضرایب مسیر مدل معادلات ساختاری جهت آزمون روابط بین متغیرهای پژوهش ارائه گردیده است. مقادیر پارامتر استاندارد برای هر یک از عوامل، نشان دهنده بار عاملی آن‌ها روی متغیر نهفته مربوطه بوده که مقدار $t > 2$ متناظر آنها نیز معناداری سهم آن‌ها در اندازه‌گیری متغیر نهفته را نشان می‌دهد. تجزیه و تحلیل مرحله کمی و ضرایب مسیر بدست آمده است:

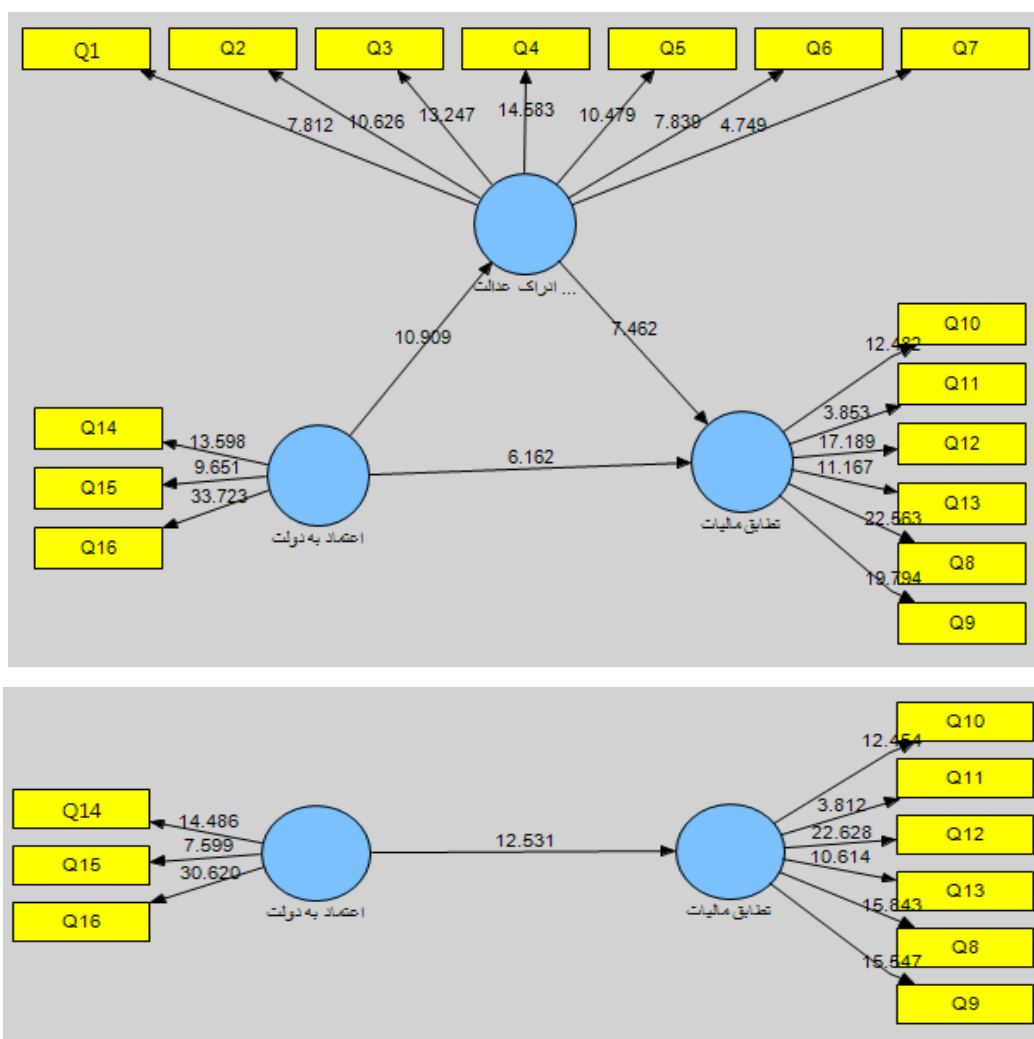
۵۴. * سطح معناداری ۰/۰۱ درصد



شکل (۲)، شدت تاثیر متغیرها در مدل (منبع: یافته‌های تحقیق)

از آنجایی که از طریق بزرگی یا کوچکی ضرایب مدل تخمین استاندارد نمی‌توان در مورد معناداری آن ضرایب اظهار نظر کرد، جهت سنجش معنادار بودن ضرایب مسیر از مدل اعداد معناداری (T-value) استفاده می‌شود. چنانچه در آن مقادیر معناداری بزرگتر از قدرمطلق عدد ۱/۹۶ باشند، این

روابط در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار هستند. همچنین سطح معناداری روابط بین متغیرها بدین صورت می‌باشد:



شکل ۳. سطح معناداری متغیرها در مدل (منبع: یافته‌های تحقیق)

شدت تاثیر^{۵۵} میزان شدت ارتباط بین متغیرها را نشان می‌دهد و طیف این ضریب بین ۰ تا ۱ می‌باشد. هر چه این میزان به ۱ نزدیک‌تر باشد، نشان دهنده قوی‌تر بودن روابط بین متغیرها می‌باشد. مقادیر T که حاصل تقسیم شدت تاثیر بر خطای استاندارد است نشان‌دهنده معناداری رابطه متغیرها است. مقادیر T بین ۱/۹۶- و ۱/۹۶ نشان دهنده عدم وجود اثر معناداری میان متغیرهای مکنون مربوط است. مقادیر T بین ۱/۹۶ و ۲/۵۷۶ نشان دهنده اثر معناداری با بیش از ۹۵٪ اطمینان میان متغیرهای مکنون مربوط است. مقادیر T مساوی و بزرگتر از ۲/۵۷۶ نشان دهنده اثر معناداری با بیش از ۹۹٪ اطمینان میان متغیرهای مکنون مربوطه است.

۱-۴-۴- ارزیابی برازش کلی مدل

این معیار مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. مقادیر ۰,۰۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۵ به ترتیب حاکی از برازش کلی ضعیف، متوسط و قوی می‌باشد. مقدار GOF در مدل پژوهشی حاضر، به شرح زیر می‌باشد:

$$GOF = \sqrt{\text{communality} \times R^2}$$

با توجه به اینکه مقدار GOF برابر با ۰,۴۴۱ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت سطح برازش کلی مدل در حد عالی و قابل قبول می‌باشد.

۵. بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه، رفتار تطابق مالیاتی مودیان بر اساس نظر متخصصان مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته و اثرات ادراک عدالت مالیاتی و اعتماد به دولت، که برخی از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار تطابق

۵۵. ضریب همبستگی بین متغیرهای مکنون و متغیرهای آشکار در یک مدل اندازه‌گیری است. این ضریب تعیین میکند که متغیر مکنون چقدر از واریانس متغیرهای آشکار را تبیین میکند و از آن جا که یک ضریب همبستگی است باید از نظر آماری معنادار باشد.

مالیاتی هستند، بررسی شده است. فرضیه‌ها در نمونه‌ای از متخصصان مالیاتی شاغل در اداره مالیاتی استان خراسان رضوی آزمون گردید.

فرضیه اول به بررسی ارتباط اعتماد به دولت با تطابق مالیاتی پرداخت. نتایج حاکی از تایید فرضیه اول پژوهش است. این نتایج نشان می‌دهند که اعتماد به دولت می‌تواند باعث بهبود تطابق مالیاتی و نهایتاً منجر به ارتقای سطح دقت و صداقت در امور مالی اشخاص گردد. در این زمینه، اهمیت همکاری با متخصصان در میان تصمیم‌گیرندگان مالیاتی و دولت به وضوح مشهود است. این نتایج می‌توانند به سیاست‌گذاران و مسئولان مالیاتی کمک کنند تا در راستای ارتقاء اعتماد و تطابق مالیاتی، همکاری‌های فعال با متخصصان مالیاتی را ترویج کنند. بنابراین نتایج فرضیه حاضر همسو با تحقیقات گانگل و همکاران (۲۰۱۳)، موئهلباچر و همکاران (۲۰۱۱)، گوبنا و ون دیک (۲۰۱۶) و گوزل و همکاران (۲۰۱۹) می‌باشد. فرضیه دوم به بررسی ارتباط اعتماد به دولت با ادراک عدالت مالیاتی پرداخت. نتایج نشان داد که اعتماد به دولت بواسطه ادراک عدالت مالیاتی بهبود یافته و می‌تواند در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌های مالیاتی مؤثر باشد. بر اساس این نتایج، پیشنهاد می‌شود که در تدوین استراتژی‌ها و سیاست‌های مرتبط با مالیات، توجه به همکاری با متخصصان مالیاتی به عنوان افراد توانمند در بهبود ادراک عدالت مالیاتی و در نتیجه افزایش اعتماد به دولت، مورد توجه قرار گیرد. بنابراین نتایج فرضیه حاضر همسو با تحقیقات هولتز و هارولد (۲۰۰۸)، هولتز (۲۰۱۳)، جیمز و آیر (۲۰۱۶) و گوزل و همکاران (۲۰۱۹) می‌باشد. فرضیه سوم به دنبال بررسی تاثیر اعتماد به دولت از طریق نقش میانجی ادراک عدالت مالیاتی بر تطابق مالیاتی است. در نتایج مشخص گردید که ادراک عدالت مالیاتی در ارتباط بین اعتماد به دولت و تطابق مالیاتی نقش مهمی ایفا می‌کند. این تجزیه و تحلیل نشان داد که ادراک عدالت مالیاتی به عنوان یک متغیر میانجی، نقش کلیدی در انتقال اثرات اعتماد به دولت بر تطابق مالیاتی دارد. وابستگی معنی‌دار این دو متغیر به یکدیگر، تأکید بر اهمیت سطح ادراک عدالت مالیاتی در ارتقاء یا کاهش تأثیرات اعتماد به دولت بر رفتار تطابق مالیاتی را نشان می‌دهد. در این سناریو، ادراک عدالت مالیاتی نه تنها به صورت مستقیم بر تطابق مالیاتی تأثیر گذار است بلکه از طریق تأثیر بر اعتماد به دولت نیز تأثیرپذیری افزایش یافته

است. از این رو، سیاق این مطالعه حاکی از آن است که در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های تشویقی به تطابق مالیاتی، نقش اعتماد به دولت باید به‌طور جدی مدنظر قرار گیرد. توجه به افزایش اعتماد به دولت می‌تواند مسیری مؤثر برای افزایش تطابق مالیاتی و کاهش تخلف مالیاتی در جوامع باشد. بنابراین نتایج فرضیه حاضر همسو با تحقیق گوزل و همکاران (۲۰۱۹) می‌باشد.

در راستای نتایج فرضیه سوم پیشنهاد می‌شود که دولت و نهادهای مرتبط با مالیات برنامه‌ها و کمپین‌هایی را راه‌اندازی کنند که به بهبود ادراک عدالت مالیاتی در جامعه بپردازند. اطلاع‌رسانی مؤثر و آموزش در زمینه مالیات، ترویج اصول عدالت مالیاتی و تشویق به شفافیت در سیاست‌های مالیاتی می‌تواند به تقویت ادراک مثبت افراد و در نتیجه به تطابق مالیاتی بیشتر کمک کند. در راستای نتایج فرضیه اول پیشنهاد می‌شود که دولت و سازمان‌های مرتبط با مالیات در هنگام تدوین و اجرای سیاست‌های مالیاتی از خدمات مشاوره متخصصان مالیاتی بهره‌مند شوند. ایجاد همکاری‌های فنی و تخصصی با این متخصصان می‌تواند به بهبود فرایند تدوین و اجرای سیاست‌های مالیاتی و افزایش تطابق مالیاتی کمک کند. در راستای نتایج فرضیه دوم پیشنهاد می‌شود که دولت اقدام به ایجاد فرآیندها و استراتژی‌هایی کند که حسابداران (متخصصان مالیاتی) را در فرآیندها و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مالیات یک کشور تقویت کند. ایجاد فضاهای مشارکتی و مشاوره با متخصصان مالیاتی می‌تواند در افزایش ادراک عدالت مالیاتی و در نتیجه افزایش اعتماد به دولت تأثیرگذار باشد. همچنین این تحقیق به خودی خود محدودیت‌هایی دارد، همانطور که در کلیه تحقیقات وجود دارد. ابتدا اینکه پژوهش حاضر از نوع مقطعی بود. بنابراین، نتایج باید با احتیاط تفسیر شوند. تحقیقات آینده برای روشن‌سازی پیوندهای علی بین متغیرها با استفاده از طرح‌های تجربی ضروری است. محدودیت دیگر اندازه نمونه پرسشنامه‌های پاسخ دهندگان است. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از متخصصان مالیاتی شاغل در اداره مالیاتی استان خراسان رضوی جمع‌آوری شده است. به همین دلیل، نتایج این تحقیق فقط برای این گروه حرفه‌ای قابل تفسیر است. با این حال، این کار ممکن است منجر به مطالعات دیگری شود که در مورد سایر گروه‌های شغلی انجام شود. با توجه به نتایج پژوهش، سازمان امور مالیاتی به عنوان مهمترین دستگاه اجرایی درآمدزا در دولت می‌تواند از نتایج

این تحقیق در راستای افزایش اعتماد مودیان مالیاتی به دولت استفاده نماید و با ارتقای شفافیت و برگزاری جلسات آموزشی برای کارکنان حوزه مالیات و دوره های توجیهی برای مودیان مالیاتی، باعث تقویت همکاری عمومی شده و از این طریق هزینه های مدیریت مالی دولت را کاهش دهد.

منابع و ماخذ

برادران حسن زاده، رسول. موسوی، سیدابراهیم (۱۳۹۹). الگوی عوامل موثر بر افزایش عدالت مالیاتی در ایران. ششمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری ایران. تهران. فرهادی محلی، علی. دولت نیا، فرشید (۱۳۹۸). تاثیر اعتماد به دولت و ادراک عدالت مالیاتی بر تمکین مالیاتی (مورد مطالعه: سازمان امور مالیاتی استان گلستان). پنجمین کنفرانس بین المللی حسابداری، مدیریت و نوآوری در کسب و کار. تهران.

نجدی، زهرا. قطبی، سیده فوزیه (۱۴۰۰). نقش دولت الکترونیک بر توسعه نظام مالیاتی با توجه به نقش میانجی اعتماد مودیان مالیاتی در شهر شیراز. چهارمین کنفرانس بین المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. تهران.

- Alm, J., Kirchler, E., Muehlbacher, S., (2012). Combining psychology and economics in the analysis of compliance: from enforcement to cooperation. *Econ. Anal. Policy* 42 (2), 133–151.
- Andreoni, J., Erard, B., Feinstein, J., (1998). Tax compliance. *J. Econ. Lit.* 36 (2), 818–860.
- Becerra, M., Gupta, A., (2003). Perceived trustworthiness within the organization: the moderating impact of communication frequency on trustor and trustee. *Organ. Sci.* 14 (1), 1–19.
- Bernard, O. M., Memba, F. S., & Oluoch, O. (2018). Influence of tax knowledge and awareness on tax compliance among investors in the export processing zones in Kenya. *International Journal of Scientific Research and Management*, 6(10), 728-733
- Beck, P.A., Dye, T.R. (1982). Sources of public opinion on taxes: The Florida case. *J. Politics* 44 (1), 172–182.
- Brewer, P.R., Sigelman, L., (2002). Trust in government: personal ties that bind? *Soc. Sci. Q.* 81 (2), 624–631.
- Casal, S., Kogler, C., Mittone, L., Kirchler, E., (2016). Tax compliance depends on voice of taxpayers. *J. Econ. Psychol.* 56, 141–150.
- Colesca, S.E., (2009). Increasing e-trust: a solution to minimize risk in e- government adoption. *J. Appl. Quant. Methods* 4 (1), 31–44.
- Etzioni, A., (1986). Tax evasion and perceptions of tax fairness: a research note. *J. Appl. Behav. Sci.* 22 (2), 177–185.
- Feld, L.P., Frey, B.S., 2002. Trust breeds trust: how taxpayers are treated. *Econ. Gov.* 3 (2), 87–99.

- Forest, A., Sheffrin, S.M., (2002). Complexity and compliance: an empirical investigation. *Nat. Tax J.* LV (1), 75–88.
- Frey, B.S., Torgler, B., (2006). Tax Morale and Conditional Cooperation. Institute for Empirical Research in Economics, University of Zürich Working Paper no. 286.
- Güzela S A, G Özerb, Mt Özcan (2019). The effect of the variables of tax justice perception and trust in government on tax compliance: The case of Turkey. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*.78. 80 86
- Gangl, K., Muehlbacher, S., Hofmann, E., Kogler, C., (2013). How can i help you? Perceived service orientation of T ax authorities and T ax compliance. *Public Financ. Anal.* 69 (4), 487–510.
- Gerbing, M.D., (1988). An Empirical Study of Taxpayer Perceptions of Fairness. Ph.D. thesis. The University of Texas at Austin, Austin.
- Gilligan, G., Richardson, G., (2005). Perceptions of taxfairness and tax compliance in Australia and Hong Kong: a preliminary study. *J. Financ. Crime* 12 (4), 331–343.
- Gobena, L.B., Van Dijke, M., (2016). Power, justice, and trust: a moderated mediation analysis of tax compliance among Ethiopian business owners. *J. Econ. Psychol.* 52, 24–37.
- Hassan e, I., Naeem, A. & Gulzar, S. (2021). Voluntary tax compliance behavior of individual taxpayers in Pakistan. *Financ Innov* 7, 21
- Holtz, B.C., (2013). Trust primacy: a model of the reciprocal relations between trust and perceived justice. *J. Manag.* 39 (7), 1891–1923.
- Holtz, B.C., Harold, C.M., (2008). When your boss says no! The effects of leadership style and trust on employee reactions to managerial explanations. *J. Occup. Organ. Psychol.* 81, 777–802.
- James, S., Alley, C., (2002). Tax compliance, self assessment and tax administration. *J. Financ. Manag. Public Serv.* 2, 27–42.
- Jimenez, P., Iyer, G.S., (2016). Tax compliance in a social setting: the influence of social norms, trust in government, and perceived fairness on taxpayer compliance. *Adv. Account.* 34, 17–26.
- Kogler, C., Batrancea, L., Nichita, A., Pantya, J., Belianin, A., Kirchler, E., (2013). Trust and power as determinants of tax compliance: testing the assumptions of the slippery slope framework in Austria, Hungary, Romania and Russia. *J. Econ. Psychol.* 34, 169–180.
- Moser, D.V., Evans III, J.H., Kim, C.K., (1995). The eects of horizontal and exchange inequity on tax reporting decisions. *Account. Rev.* 70 (4), 619–634.
- Muehlbacher, S., Kirchler, E., Schwarzenberger, H., (2011). Voluntary versus enforced tax compliance: empirical evidence for the “slippery slope” framework. *Eur. J. Law Econ.* 32 (1), 89–97.
- Murphy, K., (2004). The role of trust in nurturing compliance: a study of accused tax avoiders. *Lawand Hum. Behav.* 28 (2), 187–209.
- Murphy, K., (2009). Procedural justice and aect intensity: understanding reactions to regulatory authorities. *Soc. Justice Res.* 22 (1), 1–30.
- Mustapha, B., (2010). The Impact of Tax Fairness and Demographic Factors on Tax Compliance in Nigeria. Ph.D. thesis. University Utara Malaysia, Malaysia.

- Newman, W., Charity, M., & Ongayi, W. (2019). Literature Review on the Impact of Tax Knowledge on Tax Compliance among Small Medium Enterprises in a Developing Country. *International Journal of Entrepreneurship*, 22(4), 1-8
- Olufemi Oladipo, Tony Nwanji, Damilola Eluyela, Bitrus Godo and Adekunle Adegboyegun (2022). Impact of tax fairness and tax knowledge on tax compliance behavior of listed manufacturing companies in Nigeria. *Problems and Perspectives in Management*, 20(1), 41-48
- Pratama, A. (2018). Individual Taxpayer Characteristics and Taxpayer Knowledge: Exploratory Survey on Individual Taxpayers in Bandung City, Indonesia. *Review of Integrative Business and Economics Research*, 7(1_ suppl), 338-349
- Reuben, E., Winden, F.V., (2010). Fairness perceptions and prosocial emotions in the power to take. *J. Econ. Psychol.* 31, 908–922.
- Robinson, S.L., (1996). Trust and breach of the psychological contract. *Adm. Sci. Q.* 41, 4–599.
- Rudolph, T.J., (2009). Political trust, ideology and public support for tax cuts. *Public Opin. Q.* 73 (1), 144–158.
- Ross S. A., R. W. Westerfield, J. F. Jaffe, and G. S. Roberts, (2014). *Corporate Finance*, Seventh Ed. McGraw-Hill Ryerson Limited
- Saad, N., (2011). Fairness Perceptions and Compliance Behaviour: Taxpayers Judgments in Self-Assessment Environments. Ph.D. thesis. University of Canterbury, New Zealand.
- Sakurai, Y., Braithwaite, V., (2003). Taxpayer perceptions of practitioners: finding one who is effective and does the right thing? *J. Bus. Ethics* 46, 375–387.
- Spicer, M.W., Becker, L.A., (1980). Fiscal inequity and tax evasion: an experimental approach. *Natl. Tax J.* 33 (2), 171–175.
- Torgler, B., (2003a). Tax morale in transition countries. *Post-Communist Econ.* 15 (3), 57–381.
- Torgler, B., (2003b). Tax morale, rule-governed behaviour and trust. *Const. Political Econ.* 14, 119–140.
- Torgler, B., Schneider, F., (2005). Attitudes towards paying taxes in Austria: an empirical analysis. *Empirica* 32, 231–250.
- Van Dijke, M., Verboon, P., (2010). Trust in authorities as a boundary condition to procedural fairness effects on tax compliance. *J. Econ. Psychol.* 31 (1), 80–91.
- Verboon, P., van Dijke, M., (2007). A self-interest analysis of justice and tax compliance: how distributive justice moderates the effect of outcome favorability. *J. Econ. Psychol.* 28, 704–727.
- Wenzel, M., (2002a). The impact of outcome orientation and justice concerns on tax compliance: the role of taxpayers' identity. *J. Appl. Psychol.* 87 (4), 629–645.
- Wenzel, M., (2002b). Tax compliance and the psychology of justice: mapping the field. *Tax. Democr.* 41–69.
- Wenzel, M., (2004). An analysis of norm processes in tax compliance. *J. Econ. Psychol.* 25, 213–228
- Widuri R. Irawan W. (2019). Tax Justice Perception and Trust in Government on Tax Compliance. *Advances in Economics, Business and Management Research*, volume 103